



14 دسمبر 2014



داکتر سیدعبدالله کاظم

## افغانستان زیر فشار یک "بازی بزرگ" جدید در منطقه

سال 2015 را میتوان سال آغاز یک بازی بزرگ جدید با ترکیب متفاوت قدرت های منطقه دانست که قدم قدم از عمق به سطح ظاهر میشود. هر یک از بازیگرهای جدید در این عرصه با اعلام خروج تدریجی قوای امریکائی از افغانستان میکوشند تا بر افغانستان نفوذ بیشتر داشته باشند و از منابع سرشار طبیعی و نیز از موقعیت ستراتیژیک آن به حیث «قلب آسیا» و یک معبر مهم تجارتي بین آسیای میانه و جنوب آسیا استفاده کنند. قابل ذکر است این بازی جدید مثل بازی بزرگ قرن نوزدهم بوسیله تهاجم نظامی عملی نمیشود، بلکه اکنون شرکتهای بزرگ اند که زمینه های این بازی بزرگ را فراهم می سازند و از آن طریق کشورها پر قدرت بر پخش نفوذ سیاسی خویش در منطقه می افزایند. در این بازی نکته ای قابل اندیشه بخصوص برای ما افغانها اینست که باز هم مثل سابق افغانستان یک بار دیگر در محراق آن قرار میگیرد.

سال 2014 با تمام نشیب و فراز های آن روبه اختتام است، ولی افغانستان با رویدادهای جدید منظوقی در سال جدید مواجه با مشکلات بیشتر خواهد بود. از یکطرف نا بسامانی ها در تشکیل به اصطلاح "حکومت وحدت ملی" و معضلات تقسیم قدرت بین دو رکن آن یعنی رئیس جمهور و رئیس اجرائیه و از طرف دیگر افزایش روز افزون نا امنی و حملات انتحاری، مردم را نگران آینده ساخته است که در جوار آن بیکاری و ضعف مالی دولت بر مشکلات شدیداً افزوده است. موسسه بین المللی گلوب که از سال 2008 به اینطرف سروی ها را در مورد افغانستان انجام داده است، این بار در حالی در مورد وضعیت زندگی افغان ها نظر بررسی نموده که ختم ماموریت نیروهای "جنگی" بین المللی در افغانستان فقط سه هفته باقی مانده است.

بر اساس این نظر بررسی، وضعیت زنده گی افغان ها در سال 2014 رقتبارتر نسبت به سال گذشته خوانده شده و از هر 10 افغان 6 تن آنها وضعیت زنده گی شانرا دشوار و رقتبار عنوان کرده اند. در حالیکه فقر در تمام افغانستان بیداد می کند ولی این پدیده بیشتر در خارج از شهر ها دیده می شود یعنی تعدادی از افغان هائیکه در این نظر بررسی سهم گرفته اند گفته اند، در سال گذشته گاه گاه توان خرید غذا برای خوردن را نداشته اند که این رقم در شهر ها 32 درصد است. مکاتب، خدمات صحتی، و سرک ها نیز در قراه و قصبات نسبت به شهر های افغانستان، در وضعیت بدی قرار دارند. در حال حاضر 6 درصد افغان ها می گویند وضعیت زندگی آنها در حال بهتر شدن است در حالیکه 67 درصد می گویند وضعیت برای شان بدتر شده است. بر اساس نظر بررسی موسسه گلوب انترنشنل، نگرانی های زیاد در مورد بدتر شدن امنیت در نقاط مختلف افغانستان، مخصوصاً نزد طبقه جوان دیده می شود، این در حالیست که ماموریت جنگی نیرو های امریکایی در افغانستان تا پایان همین ماه خاتمه می یابد.

بهرحال ابهام و سردرگمی جدی در اوضاع داخل کشور اعم از نظر امنیتی، اقتصادی و اداری از یکطرف و اما پایان یافتن ماموریت "جنگی" قوای بین المللی در افغانستان از طرف دیگر سؤالهای جدی را مبنی بر رقابت ها و بناً نزدیک شدن کشورهای بزرگ منطقه مطرح می سازد که نشانه های آنرا میتوان در این روزها به وضاحت مشاهده کرد. چین روابط خود را با پاکستان بیشتر استحکام می بخشد و نیز توجه خود را به افغانستان بیش از هر وقت دیگر زیاد ساخته است. هند و روسیه نیز در پی تشدید همکاری ها بین دو کشور برآمده اند و علاوه بر روسیه در تقویه نظامی از پاکستان بخصوص در ساحه تربیه افسران نظامی دست بکار شده است. این انکشافات جدید همه میتوانند نشانه های از رقابت قدرتهای منظوقی باشند که در نظر دارند پس از خروج قوای امریکائی و ناتو از افغانستان دیر یا زود کنترل منطقه را در دست گیرند. برای توضیح بیشتر این مطلب میخوام قسمتی از رویداد مهمی را که طی همین چند روز در رسانه ها به نشر رسیده اند، بطور مختصر یاد دهانی کنم:

د پائو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

با گذشت سیزده سال از حضور نظامی در افغانستان، ناتو و ایالات متحده در یک مراسم تشریفاتی روز دوشنبه گذشته پایان ماموریت جنگی شان را در افغانستان اعلان کردند. پس از اول جنوری سال 2015، ماموریت امریکا و ناتو در افغانستان در بخش آموزشی و مشورتی متمرکز خواهد بود. تعداد نیروهای بین المللی (امریکا و ناتو) که اکنون به سیزده هزار تن در افغانستان کاهش یافته است، در سال 2011 میلادی به بالاترین تعداد یعنی 140 هزار تن می رسید.

اداره بارک اوباما رییس جمهور امریکا قبلاً پلان داشت تا 9800 سرباز این کشور پس از سال 2014 در افغانستان بمانند، اما حالا این تعداد 10800 تن از سوی وزیر دفاع امریکا اعلان شده است. از قول برخی از مقام های امریکایی نقل شده که تا اخیر سال 2015 تعداد نیرو های امریکایی در افغانستان به 5500 تن کاهش خواهد یافت و در اخیر 2016 این تعداد شاید نزدیک به صفر برسد. اما آنچه مقام های امریکایی بار ها گفته اند، افزایش و کاهش نیرو ها در افغانستان، بسته گی به وضعیت امنیتی دارد و از حالا نمی شود در این مورد تصمیم گیری کرد.

یک جنرال ارشد امریکایی که دیروز در مراسم تشریفاتی ختم ماموریت جنگی نیروهای بین المللی در افغانستان شرکت کرده بود جنرال جوزیف اندرسن قوماندان نیرو های کمک به امنیت یا ایساف در افغانستان که وظیفه اش در این کشور پایان می یابد، در مصاحبه با نیویارک تایمز، در اشاره به کاهش نقش امریکا در سال آینده در افغانستان گفت: «این واقعیت که ما در جاهای کم حضور داریم و اعضای ائتلاف هم کم شده اند، منبع نگرانی است» و می گوید: «نمی داند در مورد اوضاع افغانستان خوشبین باشد یا بدبین». اندرسن سال جاری را یک جهنم خوانده گفت: «جلو کشته و زخمی شدن نیروهای افغان گرفته نشده است و روند فرار از صفوف نیروهای امنیتی هم محدود نگردیده است».

به نوشته نیویارک تایمز امسال بیش از 5 هزار سرباز و پولیس افغان کشته شده اند که این رقم خیلی بلند تر از سال گذشته است و بیشتر از تلفاتی است که در سیزده سال گذشته به نیروهای خارجی در افغانستان وارد شده است. ولی جنرال اندرسن گفت، خبر خوب این است که طالبان در ستراتیژی، رهبری و تمویل مالی خود با مشکلات مواجه اند که این مسئله موثریت آنها را کاهش داده است؛ اما طالبان مسلح که در آستانه خروج قوای جنگی بین المللی حملات شان را شدت بخشیده اند، در عکس العمل به مراسم تشریفاتی ختم ماموریت جنگی این نیروها گفته اند که حملات شان تا زمانی ادامه خواهد داشت که تمام قوای خارجی افغانستان را ترک کنند. این در حالیست که با آغاز ماموریت جدید به رهبری ناتو در افغانستان در سال 2015، بیش از ده هزار نیروی خارجی در افغانستان برای آموزش و مشوره دهی به نیرو های افغان در این کشور باقی خواهند ماند.

گفته میشود که به تعقیب سفر محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان به عربستان سعودی، چین و پاکستان و همچنان دیدار او با نواز شریف صدراعظم پاکستان در کنفرانس لندن این امیدواری اکنون پیدا شده که روابط افغانستان و پاکستان به توجه امریکا در حال نزدیکی میباشد. اینکه تا چه حد این نزدیکی بر اوضاع امنیتی افغانستان اثر مثبت می گذارد، هنوز در پرده ابهام قرار دارد. تجربه نشان داده است که حرف زعمای پاکستان با عمل شان همیشه تناقض داشته و نرمش آنها فقط برای تسکین خاطر امریکا و جلب و جذب کمک های مالی آنکشور ابراز میگردد. برحال این مطلب که: «ایالات متحده امریکا و پاکستان همکاری های شانرا برای پروسه صلح افغانستان بیشتر می سازند و مبارزه اخیر پاکستان علیه شورشیان، ایالات متحده را به این امیدوار ساخته که روابط را با اسلام آباد افزایش دهد و تعهد پاکستان برای آوردن مخالفین مسلح دولت افغانستان به میز گفتگو ها، یکی از اساسی ترین موارد برای امریکا شمرده میشود» و نیز اینکه: «حالا پاکستان اطمینان داده که به صورت کامل از پروسه صلح افغانستان پشتیبانی میکند»، همه سوال های اند که جواب آنرا ما افغانها با ملاحظه روش مستمر پاکستان در قبال مشکلات کشور خود کمتر باور داریم. با آنهم در کنار تلاش های صلح، نزدیکی روابط میان افغانستان، پاکستان و ایالات متحده برای شکست طالبان و شبکه القاعده خیلی کلیدی شمرده میشود.

درعین حال به نوشته رویترز، طالبان افغان و پاکستانی با هم متحد اند اما به صورت جدا گانه خواهان سرنگونی حکومت ها در هر دو کشور می باشند تا در نتیجه دولت اسلامی خود را اعلان کنند، چنانچه همین حالا کراچی شهر بزرگ تجارتي پاکستان به وسیله مظاهرات طرفداران عمران خان که با طالبان پاکستانی و گروه های اسلام گرای پاکستان همکار و هم پیمان میباشد، دچار هرج و مرج کم سابقه گردیده است. حکومت پاکستان از اوضاع جاری میخواهد به نفع

د پاپو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

خود بدو شکل استفاده کند: یکی اینکه به گفته راحیل شریف لوی درستیز اردوی پاکستان حین سفرش در ماه گذشته به واشنگتن: «اگر ایالات متحده برای شکست گروه طالبان در پاکستان کمک کند، اسلام آباد برای کشاندن طالبان افغان به میز مذاکرات هر گونه همکاری خواهد کرد» و دیگر اینکه در کنار تقویت روابط با افغانستان، حکومت پاکستان چشم به کمک های بیشتر ایالات متحده دوخته است، چنانکه در همین هفته کانگرس امریکا کمک یک میلیارد دلاری را در سال 2015 برای اردوی پاکستان تصویب کرد. با این همه، افغانستان منتظر است تا ببیند که ایالات متحده و پاکستان در پروسه صلح در افغانستان چه کاری را عملاً انجام داده می‌توانند؟

نکته دیگر قابل توجه همکاری بیشتر چین و پاکستان است که می‌تواند با پادرمیانی چین در حل مشکل بین پاکستان و افغانستان تأثیر بسزا داشته باشد، زیرا چین برای حفظ علایق ستراتیژیک و اقتصادی خود در آینده به ثبات و ایجاد امنیت در افغانستان جداً ضرورت دارد. علاوه بر سرمایه گذاریهای مزید چین در پاکستان در عین زمان می‌تواند مؤید علاقمندی نفوذ آن کشور در آسیای میانه باشد که تخته خیز آن افغانستان خواهد بود.

اخیراً ژانسن خبری سینخوا (Xinhua) از تطبیق قرارداد "دهلیز اقتصادی" بین پاکستان و چین خبر میدهد و می افزاید که: «نواز شریف صدراعظم پاکستان با امضای قراردادهای بزرگ اقتصادی با چین، راه را برای اعمار یک بخش از شاهراه "هزاره" مساعد ساخت. این شاهراه حومه شهر اسلام آباد را از طریق شاهراه قراقرم (Karakoram) با چین وصل خواهد ساخت. این شاهراه بزرگ که دارای چهار لین و دیوار خواهد بود و به ارزش 297 میلیون دلار درکوه های ایالات خیبور پشتونخواه پاکستان ساخته می شود، تا دو سال آینده به بهره برداری سپرده خواهد شد». در اوایل ماه نوامبر نواز شریف صدراعظم پاکستان تفاهمنامه "دهلیز اقتصادی" را با پیکنگ امضا کرد که جمعاً در حدود 45.6 میلیارد دلار سرمایه گذاری چین را در این کشور اجازه می دهد. از این جمله: 33.8 میلیارد دلار به سرمایه گذاری در بخش انرژی و 11.8 میلیارد دلار آن برای اعمار زیر بنا های اقتصادی اختصاص داده شده است.

به نوشته مجله نشنل انترست، زمانیکه برنامه "دهلیز اقتصادی" در پایان این دهه تکمیل شود، چین، پاکستان را بطور مؤثر به دوبرخ تقسیم می کند و پیکنگ بطور موفقیانه خواهد توانست با استفاده از خطوط ترانسپورتی این "دهلیز اقتصادی" سریع تر نیروهایش را به مناطق مورد منازعه بین هند و پاکستان اعزام کند.

نواز شریف به مثابه یک بخش از تفاهمنامه "دهلیز اقتصادی" وعده سپرده است که امنیت لازم را برای پروژه های چین در پاکستان فراهم می کند، اما به نوشته مجله نشنل انترست، عملی ساختن این وعده مشکوک به نظر می رسد. رهبران بلوچ از همین اکنون با دخالت در حال افزایش چین در بندر گوادر ابراز مخالفت کرده اند.

به نوشته مجله نشنل انترست، تفاهمنامه "دهلیز اقتصادی" چین را داخل منطقه می سازد که هند آن را جزء قلمرو خودش می شمارد. چین گفته است که در منازعه کشمیر طرف واقع نمی شود، اما در اوایل همین ماه مقامات چین در یک اعلامیه از این بی طرفی شان عدول کرده، گفتند که «کوئل خونجراب (Khunjerab) که در سرحد پاکستان و چین قرار دارد، یک نقطه ستراتیژیک در مسیر است که چین را به منطقه گلگت بالتیستان (Gilgit-Baltistan) پاکستان وصل می کند»، درحالیکه هند منطقه گلگت بالتیستان را جزء قلمرو خودش می شمارد و به عقیده کارشناسان هندی، برنامه "دهلیز اقتصادی" یک بخش از ستراتیژی فشار است که پاکستان و چین آن را برای مقابله با هند پیش می برند. این در حالیست که در مورد تمرکز نظامی در حال افزایش چین چند ماه اخیر در مناطق مورد منازعه بین دو کشور، نگرانی هند کاهش نیافته است، اما به نوشته مجله نشنل انترست، چین در مورد تطبیق و مصئون ساختن این دهلیز اقتصادی به هر قیمتی که باشد، مصمم به نظر می رسد.

توسعه همکاریها بین پاکستان و چین از یکطرف و نزدیکی افغانستان با چین ازطرف دیگر و نیز احتمال اینکه امریکا در مدت دراز جای و نقش خود را در افغانستان به چین واگذار خواهد شد، دو کشور قدرتمند منطقه یعنی هند و روسیه را که از نظر تاریخی بخصوص در ارتباط با افغانستان همیشه موقف مشترک داشته اند، بار دیگر در تلبانی و تفاهم باهم قرار میدهد.

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

در این روزها گزارشات در رسانه ها حاکیست که اخیراً مقام های روسیه و هند چندین موافقتنامه را امضا کرده اند که بر اساس آن دستگاه های انرژی هسته ای در هند بوسیله شرکتهای بزرگ روسی ساخته خواهند شد. این موافقتنامه ها پس از مذاکرات روز پنجشنبه ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه و نرندرا مودی، صدراعظم هند در دهلی جدید امضا شدند.

آقای مودی گفت که بر اساس موافقتنامه های امضا شده میان شرکت اتمی دولتی روسیه موسوم به روس اتم و شرکت هندی ان پی سی آی ال، ده ریاکتور دیگر برای دستگاه های انرژی هسته ای در هند تاسیس خواهند شد. همچنان شرکت دولتی نفت روسنف و شرکت ESSAR هند نیز یک موافقتنامه را امضا کردند که بر اساس آن روسیه می تواند حدود 10 میلیون تن نفت را در جریان یک دهه به هند بفرستد. شرکت دولتی روسی دیگر زاروبیژنفت، نیز یک قرارداد را با شرکت Oil India امضا کرد و شرکت روسی گازپروم بحث ها را با شرکت هندی GAIL در مورد انتقال گاز مایع طبیعی روسیه به هند انجام داد.

علاوتاً مودی و پوتین در باره احتمال ساختن یکی از هلیکوپتر های پیشرفته روسی در هند نیز بحث کردند که آنها بیشتر برای اهداف نظامی و ملکی استفاده می شوند. بسیاری از شرکتهای بزرگ انرژی روسی به دلیل مداخله روسیه در اوکراین تحت تعزیرات امریکا و اروپای غربی قرار گرفته اند و به نسبت روابط سرد مسکو و غرب ولادیمیر پوتین می کوشد تا از دوستی دوامدار با هند بهره برداری کند. اینکه انتقال نفت و گاز طبیعی از روسیه به هند از طریق کدام کشور یا کشورها صورت خواهد گرفت، سؤال بسیار مهم و در خور دقت میباشد که تا حال توضیح نشده است. در عین زمان سفر چهار روز قبل پوتین به ازبکستان نیز در راستای تحولات منطقه ای و به احتمال زیاد شریک ساختن ازبکستان در این بازیها و آنهم به نفع روسیه موضوع دیگر است که توجه مجدد دراز مدت روسیه را بطرف آسیای میانه بیان میکند. گزارشات رسمی در رسانه ها مشعر اند که بیش از سه هزار تن از افسران نظامی و محصولین ازبکستان سال آینده در روسیه تعلیمات نظامی خواهند دید. ولادیمیر پوتین رییس جمهور روسیه به روز چهارشنبه بعد از گفتگو با اسلام کریموف گفت: 12 هزار تبعه ازبک در حال حاضر در مراکز تحصیلات عالی روسیه مشغول تحصیل اند. او علاوه کرد که: «همکاری های وسیع تر در بخش تعلیمی روابط میان روسیه و ازبکستان را که از سال 1989 یعنی بعد از سقوط اتحاد شوروی سابق پرتنش بوده است، بهتر خواهد ساخت». دوکشور در سال 1994 توافق همکاری های نظامی را امضا کردند ولی ازبکستان بعداً از گروهی که چندین جمهوری سابق اتحاد شوروی را تحت رهبری روسیه گردهم آورده بود، خارج شد.

با آنکه مقامات امریکائی و ناتو به تکرار گفته اند که افغانستان را تنها نخواهند گذاشت، ولی از نظر منافع طویل المدت، طوریکه پیشبینی میگردد و نیز بعضی از محققان سیاسی امریکا میگویند، امریکا به حیث یک قدرت بزرگ جهانی منافع متفاوت در سائر نقاط جهان دارد، در مدت دراز میخواهد با دوری جستن فعال از افغانستان و آسیای میانه در گسترش نفوذ خود در نقاط دیگر، از جمله در شرق دور که منافع اقتصادی فراوان در آن کشورها دارد، بیشتر بپردازد و میکوشد افغانستان و آسیای میانه را تدریجاً در ساحه نفوذ چین قرار دهد و در مقابل به نفوذ خود در شرق دور یعنی جنوب شرق آسیا بیفزاید. همچنان هدف امریکا در عین زمان تقابل روسیه و چین باهم به حیث دو قدرت کنترول کننده در آسیای میانه میباشد، زیرا چین با روابط نزدیک با پاکستان و ایران و نفوذ در افغانستان از طریق سرمایه گذاریهای بزرگ میتواند موازنه قدرت را در منطقه به شکل مناسب برقرار کند و از نفوذ مجدد روسیه بطرف جنوب مانع گردد. این ضرورت وقتی بیشتر احساس میگردد که طی سال جاری روسیه با روی آوردن بسوی مناطق قفقاز و جمهوریت های سابق شوروی پلان توسعه جوئی مجدد خود را بدانسو آغاز کرده است و بیم آن میرود که کشورهای آسیای میانه قدم های بعدی این حرکت باشد.

اینکه چرا امریکا در این معامله چین را مورد نظر قرار داده است، دلیل آن میتواند بر این مبنا استوار باشد که چین قادر است در منطقه ثبات و امنیت لازم را استحکام بخشد، زیرا همین حالا چین از یکطرف در پاکستان در ساحات مختلف سرمایه گذاری کرده و در انکشاف امور سلاح زروی آن کشور و نیز در توسعه بندر «گوادر» و شاهراه موسوم به «قرآقرم» که راه بحری را با ایالت «سیگیانگ» وصل میکند، نقش بسیار بارز دارد؛ از طرف دیگر چین از مدتیست با

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

ایران روابط بسیار دوستانه و عمیق برقرار کرده است. در این حال چون افغانستان یک کشور محاط به خشکه است و از این ناحیه دسترسی مستقیم امریکا به افغانستان دچار مشکل می باشد و نیز دو کشور همسایه ایران و پاکستان هر یک آجندای دیرینه در افغانستان دارند که بطور کل مانع ثبات افغانستان زیر حمایت امریکا میگردند، لذا امریکائی ها چانس موفقیت خود را در اقامت دراز مدت در افغانستان بسیار ضعیف و پر از مشکلات می بینند و با وجود صرف پول و دادن قربانی از آینده خوب در این منطقه چندان امیدوار نیستند. روی این ملحوظ یگانه کشوری که توان حفظ امنیت و چانس استفاده از موقعیت ستراتژیک افغانستان را بخصوص در راه مبارزه با تروریسم و سرکوبی عناصر فعال وابسته به القاعده و گروههای مربوطه در منطقه دارد، چین خواهد بود. علاوه بر این چین که از همه بیشتر به کمبود مواد انرژی تیل و گاز مواجه است و نیز به منابع معدنی ضرورت دارد، نفوذ در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی بسیار پرمفعت بوده و آن کشور را در اینکار تشویق خواهد کرد تا در گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در منطقه بکوشد. چنانچه یکی از تحلیلگران ارشد موسسه «بروکینگز» امریکا - خاتم «وندا براون» طی یک مقاله منتشره در سایت بی بی سی بتاریخ 17 نوامبر 2013 در زمینه چنین می نویسد:

«امریکا نه افغانستان و نه آسیای مرکزی را ، بلکه شرق آسیا را در کانون توجه ستراتژیک خود قرار داده است. تلاش برای اینکه چین به یک قدرت مسالمت آمیز مبدل شود، از اولویت های سیاست خارجی واشنگتن است. امریکا جنوب شرق آسیا و هند - و نه افغانستان و آسیای مرکزی - را عرصه مهم برای پیگیری این هدف میداند. بر علاوه امریکا در شرق میانه گرفتار است: سوریه و مصر در آتش بحران می سوزند، جنگ سرد میان ایران و عربستان سعودی در جریان است و امریکا سعی بسیار برای حل مسأله بغرنج اسرائیل و فلسطین بخرج می دهد. بسیاری از سیاستمداران امریکائی و حتی شاید بسیاری از مقامات قصر سفید، افغانستان را مسئولیت نابخردانه و فاقد اهمیت ستراتژیک می دانند.»

در این بازیهای منطقوی آنچه تا هنوز آشکار نگردیده همانا نقش ایران است که از یکطرف میخواهد روابط را با امریکا و غرب بهبود بخشد و از طرف دیگر معلوم نیست که در برابر چین - پاکستان و نیز هند - روسیه در قبال افغانستان و سایر مسائل منطقوی چه موقف را در آینده اتخاذ خواهد کرد و نیز علایق ترکیه و عربستان در این بازی های منطقوی خاصاً در ارتباط با افغانستان چگونه تغییر خواهد نمود. اینها سؤالی اند که جواب آنرا در نحوه تحولات بعدی در منطقه باید جستجو کرد. (پایان)

---

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ